

## متن پیاده سازی شده

### بسم الله الرحمن الرحيم

#### تحقیق و رأی نهایی

بحث در مورد نصوصی بود که برای تجری قابلیت تمسک را داشت.

2 آیه بحث شد و دلالت آیات پذیرفته نشد. در روایات چند گروه را بیان کردیم.

عرض کردیم برخورد سندی با این روایات درست نیست چون تعداد روایات زیاد است و لذا باید روایات را مجموعه ای دید نه مورد مورد. چون در این صورت گاهی انسان از روایات پیامی می گیرد که با نگاه مورد به موردی این پیام را نمی گیرد و این در روش شناسی اجتهاد مهم است .

ادعای ما دو مطلب است:

اولاً: مجموعه این روایات قابل انکار نیست و دلالت بر قبح تجری می کند. یعنی استحقاق عقاب دارد و با استفاده از قانون ملازمه حرام شرعی خواهد بود.

دوما: یک دلیل نداریم که بفرماید فعل متجری به حرام است. بعبارت دیگر دلیلی نداریم که بگویید باور شخص در شخصیت فعل مؤثر باشد.

#### رأی مختار

بعد از بیان هفت مقدمه نظر مختار این می شود که ثمره بحث تجری چیست؟

بحث روایات معصیت را علماء استطرادی وارد شده اند که در این صورت بحث ناپخته خواهد شد. ما معتقدیم برخورد با این روایات برخورد سطحی است. نشانه سطحی چند مورد است:

اول: جمع شیخ انصاری: ایشان فرمود که بین روایاتی که می گوید: قصد المعصية معصية با روایاتی که می گوید قصد معصیت مأخذه ندارد این طور جمع می کنیم که آن مورد که می گوید: قصد المعصیه معصیه مربوط به قصدی است که به آن عمل شود و آن دسته از روایات که می گوید قصد المعصية مؤاخذه ندارد حمل می شود بر قصدی که صرف قصد باشد. جمع دوم این بود که روایات دسته اول که می گوید قصد معصیت مؤاخذه دارد مربوط به جایی است که از قصدش بر نگردد و روایاتی که می گوید مؤاخذه ندارد مربوط به جایی است طرف از قصدش برگردد.

به نظر ما اولاً این جمع تبرعی است. ثانیاً: اصلاً فضای روایات این بحث ها نیست. روایاتی که می گوید: کافر در جهنم می ماند چون قصدش این بود که اگر زنده بماند تا ابد کافر باشد. روایاتی که می گوید: کل يعمل علی شاکلته را چگونه بر این دو توجیه حمل می کنید. روایتی که می گوید کسی که قصد معصیت می کند برای او نمی نویسند و اگر انجام دهد می نویسند. این جا بحث انصراف نیست.

نکته بعد این که ما گویند نصوص را آزاد فرض می کنیم. - به نظر ما دفتر دوم وسوم اصول مانده است. دفتر دوم: تعهدات مبینان شریعت چیست چقدر مجاز گوئی می کردند چقدر به قرائن احوال و اطراف اعتماد می کردند آیا کلمات ائمه یا قرآن گفتاری است یا نوشتاری؟ در نوشتار انسان به قرائن اکتفاء نمی کند ولی در گفتار اکتفاء می کند. در نوشتار باید آیندگان را در نظر گرفت ولی در گفتاری باید الان را در نظر گرفت. - این بحث را در فلسفه فقه آورده ایم. - و فارغ از تعهد فرض می کنیم که هر گونه می خواهند مطلب اراده کنند و هر گونه که می خواهند عمل کنند. امام علیه السلام که می خواهند بفرماید قصد المعصیه با اشتغال به برخی مقدماتش معصیت است قاعدتاً حکمت اقتضا نمی کند که بفرماید قصد المعصیت معصیت است. یا مثلاً

می خواهند بگویند قصد معصیتی که از آن بر نگرید معصیت است ولی بگوید قصد المعصیت معصیت است این درست نیست .

یا در بحث سندی برخورد سندی درست نیست کتاب شریف وسائل پر از روایت صحیح السند است. نباید فقط یک روایت را دید و گفت روایت از لحاظ سند مشکل دارد چرا که روایات زیاد است و روایات وقتی بیش از حد استفاضه شد نباید متهم به ضعف سند کرد .

یا برخورد مرحوم خوئی که فرمود روایاتی که گوید قصد المعصیت معصیت ربطی به تجری ندارد چون در تجری قصد معصیت نکرده است بلکه توهم معصیت کرده است درحالی که معصیت، معصیت واقعی است. اولاً: در متجری قصد المعصیه است فعل المعصیه نیست. کسی که ظرف آب را به نیت شراب می نوشد قصدش چیست؟ اگر بگوید قصد شرب هذا کرده است که این معصیت نیست ولی اگر قصدش شرب الخمر است ولی این شرب الخمر را بر مصداق اشتباه تطبیق می دهد. این جا قصد المعصیه واقعیه وجود دارد.

خوب است وقتی در موردی تعداد زیاد روایت داریم یک نگاه مجموعی به آنها بکنیم تا ببینیم پیامی دارد یا نه. برخی مواقع وقتی مجموع روایات را کنار هم می گذاریم یک برداشتی خاص می کنیم.

مثلا روایت می فرماید: 1. لكل امری ما نوى 2. الناس يحشرون على نياتهم 3. انما الاعمال بالنيات 4. نية المؤمن خير من عمله و نية الكافر شر من عمله و كل الانسان على نيته 5. كل الانسان على شاكلته (آیه قرآن) آیا واقعا این مجموعه را کنار هم بگذاریم می توانیم بگوئیم روایات می خواهد بگوید قصد معصیت واقعی بد است نه عصیان موهوم یا این که این روایات می خواهد به انگیزه روانی انسانها و عنصر روانی عمل توجه بدهد و می خواهد بگوید انسان ها مطابق نیاتشان محشور می شوند؛ کسی که عدالت می ورزد تا مردم نام او را خوب یاد کنند و حکومتش هم مستقر باشد نسبت به کسی به نیت راحتی بندگان خدا عادلانه رفتار می کند این یک عمل با دو نیت متفاوت است.

بیان یکسری روایات: (وسائل ابواب مقدمه العبادات باب 5 و 6)

1. سند روایت بسیار عالی است.

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مَالِكِ بْنِ عَطِيَّةَ عَنْ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ع قَالَ: لَا عَمَلَ إِلَّا بِنِيَّةٍ. (وسائل الشيعة ؛ ج 1 ؛ ص 46)

لَا قَوْلَ إِلَّا بِعَمَلٍ وَ لَا قَوْلَ وَ عَمَلٍ إِلَّا بِنِيَّةٍ وَ لَا قَوْلَ وَ عَمَلٍ وَ نِيَّةٌ إِلَّا بِإِصَابَةِ السَّنَةِ. (وسائل الشيعة ؛ ج 1 ؛ ص 47)

إِنَّ اللَّهَ يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَى نِيَاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. (حال این نیست چی است) (وسائل الشيعة ؛ ج 1 ؛ ص 48)

الأعمالُ بالنيَّاتِ. (وسائل الشيعة ؛ ج 1 ؛ ص 48)

إِنَّمَا الأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ إِنَّمَا لِأَمْرِي مَا نَوَى. (لام ملکیت یا ملکیت یا استحقاق) همانا برای انسان است آنچه که نیست کند. ( وسائل الشيعة ؛ ج 1 ؛ ص 48)

به جز روایت اول و دوم بنا بر برخی مبانی ضعف دارد.

باب ششم

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ (البرقي صاحب محاسن) عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْفَقِيرَ لَيَقُولُ يَا رَبِّ ارزُقْنِي حَتَّى أَفْعَلَ كَذَا وَ كَذَا مِنَ الْبِرِّ وَ وُجُوهُ الْخَيْرِ فَإِذَا عَلِمَ اللَّهُ ذَلِكَ مِنْهُ بِصِدْقِ نِيَّةٍ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ مِنْ الأَجْرِ مِثْلَ مَا يَكْتُبُ لَهُ لَوْ عَمِلَهُ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ كَرِيمٌ. (وسائل الشيعة ؛ ج 1 ؛ ص 49)

خدایا به من توان مالی بده ببین چکار میکنم. و اگر خداوند صادقانه بداند که این حرف را می زند مثل همان کسی با او رفتار می کند که اگر عمل می کرد به او اجر می دهد و خداوند واسع کریم است.

روایت صحیحه است.

وَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص نِيَّةُ الْمُؤْمِنِ خَيْرٌ مِنْ عَمَلِهِ وَ نِيَّةُ الْكَافِرِ شَرٌّ مِنْ عَمَلِهِ وَ كُلُّ عَامِلٍ يَعْمَلُ عَلَى نِيَّتِهِ. (وسائل الشيعة ؛ ج 1 ؛ ص 50)

سند روایت قابلیت دفاع دارد و شهرت روایی دارد

إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ النَّارِ فِي النَّارِ لِأَنَّ نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ خُلِدُوا فِيهَا أَنْ يَعْصُوا اللَّهَ أَبَدًا وَ إِنَّمَا خُلِدَ أَهْلُ الْجَنَّةِ فِي الْجَنَّةِ لِأَنَّ

نِيَّاتِهِمْ كَانَتْ فِي الدُّنْيَا أَنْ لَوْ بَقُوا فِيهَا أَنْ يُطِيعُوا اللَّهَ أَبَدًا فَبِالنِّيَّاتِ خُلِدَ هَوْلَاءُ وَ هَوْلَاءُ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ -  
قَالَ عَلَى نِيَّتِهِ. (وسائل الشيعة ؛ ج 1 ؛ ص 50)

امام عليه السلام می خواهند مسأله خلود را حل کنند.

روایت ضعف سند دارد ولی قوت دلالت دارد و بررسی سند این گونه موارد اشتباه است .

النِّيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ أَلَا وَإِنَّ النِّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ ثُمَّ تَلَا قَوْلَهُ تَعَالَى قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ يَعْنِي عَلَى نِيَّتِهِ (وسائل الشيعة ؛ ج 1 ؛  
ص 51)

مَنْ هَمَّ بِحَسَنَةٍ فَلَمْ يَعْمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ فَإِنْ عَمَلَهَا كُتِبَتْ لَهُ عَشْرًا وَ يُضَاعَفُ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ إِلَى سَبْعِمِائَةٍ وَ مَنْ هَمَّ بِسَيِّئَةٍ فَلَمْ  
يَعْمَلْهَا لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ حَتَّى يَعْمَلَهَا فَإِنْ لَمْ يَعْمَلْهَا كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ وَ إِنْ عَمَلَهَا أُجِلَّ تِسْعَ سَاعَاتٍ فَإِنْ تَابَ وَ نَدِمَ عَلَيْهَا لَمْ تُكْتَبْ عَلَيْهِ  
وَ إِنْ لَمْ يَتُبْ وَ لَمْ يَنْدَمْ عَلَيْهَا كُتِبَتْ عَلَيْهِ سَيِّئَةٌ (وسائل الشيعة ؛ ج 1 ؛ ص 55)

سند روایت صحیحه است.

الحمد لله رب العالمين